گزارش

## گزارشی از برنامه‌ها و عملکرد عراقچی در حاشیه سازمان ملل
## جان تازه دیپلماسی در نیویورک

**شرق:** وزیر امور خارجه کشورمان که در نیویورک به سر می‌برد، همچنان در حال گفت‌وگو و رایزنی در رابطه با مسائل منطقه و ایران با کشورهای مختلف است. او از یک سو در تلاش برای یافتن راه برون‌رفت از بن‌بست جنگ غزه و محکومیت اسرائیل است و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا تهران روابط بهینه و منطقی خود را با دنیا از سر بگیرد. عراقچی در توضیح آنچه تاکنون در دیدارها و برنامه‌ها در نیویورک رخ داده، با اشاره به برگزاری جلسه ویژه شورای امنیت در ارتباط با موضوع لبنان در چهارشنبه‌شب گذشته گفت: جلسه اضطراری شورای امنیت درخصوص لبنان با حضور آقای میقاتی، نخست‌وزیر لبنان برگزار شد و بنده نیز در آن جلسه شرکت و سخنرانی کردم. عراقچی تصریح کرد: متأسفانه همچنان شورای امنیت سازمان ملل به دلیل سیاست آمریکا که از هرگونه به نتیجه رسیدن این جلسات جلوگیری می‌کند، درخصوص تصمیم‌گیری در این نشست هم ناکام بود و حتی یک بیانیه مطبوعاتی و یک محکومیت ساده هم نتوانست صادر کند. وی افزود: اما تریبونی ایجاد شد که ایران، لبنان، سوریه و عراق نظرات خود را مطرح کنند و در این چارچوب برگزاری این جلسه، کار خوبی بود. وی با بیان اینکه روز گذشته سه نشست وزیران امور خارجه بریکس، مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا و کمیته فلسطین جنبش عدم تعهد در نیویورک برگزار شد، گفت: در هر سه نشست موضوعات غزه، فلسطین و لبنان مطرح بود. عراقچی با بیان اینکه نماینده فلسطین در کمیته فلسطین جنبش عدم تعهد حضور یافت و گزارش مفصلی داد و سپس همه اعضای کمیته علیه جنایات رژیم اسرائیل موضع گرفتند، تصریح کرد: در حال حاضر ریاست مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا بر عهده ایران است و در چند روز آینده ریاست آن به قطر واگذار خواهد شد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین با اشاره به سخنرانی خود در نشست وزیران امور خارجه بریکس که در نیویورک برگزار شده بود، تصریح کرد: نقش بریکس باید در عرصه بین‌المللی گسترش پیدا کند؛ به‌خصوص درباره مسائل اقتصادی باید بریکس به قطب جدیدی تبدیل شود و این اراده تمام اعضاست. این دیپلمات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه بریکس باید به یک قطب مالی جدید تبدیل شود که بتواند ارتباطات مالی و تجاری کشورها را بدون نیاز به آمریکا و سیستم مالی آمریکا انجام دهد، گفت: در این جلسه در مورد مسائل منطقه نیز صحبت شد. وی تصریح کرد: یک نکته جالب درباره بریکس، افزایش تمایل کشورهای متعدد برای الحاق به بریکس است؛ اکنون می‌بینیم تعداد کشورهایی که تمایل دارند به بریکس بپیوندند یا شریک بریکس شوند، رو به افزایش است. در ملاقات‌های دوجانبه برخی از کشورهای متقاضی عضویت در بریکس از ما می‌خواستند از عضویت آنها در بریکس حمایت کنیم و این نشان می‌دهد که بریکس در حال بازکردن جای خود در نظم نوین جهانی و روابط بین‌الملل است. در روزهای آخر هفته هم عراقچی دیدارهای مهمی با همتایان خود داشت؛ ازجمله وزیران امور خارجه آلمان و لهستان به صورت جداگانه با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در نیویورک دیدار و رایزنی کردند. خانم «آنالنا بربوک»، وزیر امور خارجه آلمان و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در حاشیه هفتادونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، در ارتباط با آخرین تحولات عرصه بین‌الملل و همچنین روابط دوجانبه رایزنی و گفت‌وگو کردند. «رادوسلاو سیکورسکی»، وزیر امور خارجه جمهوری لهستان و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در حاشیه هفتادونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در مورد آخرین تحولات دوجانبه و بین‌الملل تبادل نظر کردند. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ادامه گفت‌وگوهای خود با مقامات شرکت‌کننده در مجمع عمومی سازمان ملل، با وزیران امور خارجه اسپانیا و عمان نیز به صورت جداگانه دیدار و رایزنی کرد. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و خوزه مانوئل آلبارس وزیر امور خارجه اسپانیا، در مورد آخرین تحولات عرصه بین‌الملل با یکدیگر دیدار و رایزنی کردند. سیدبدر البوسعیدی وزیر امور خارجه سلطنت عمان و سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در جریان دیدار با یکدیگر در ارتباط با آخرین تحولات دوجانبه و منطقه گفت‌وگو کردند. همچنین سیدعباس عراقچی با «چو تائه یول» وزیر امور خارجه کره جنوبی و «پنی وانگ» وزیر امور خارجه استرالیا روز پنجشنبه و در حاشیه هفتادونهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک دیدار و گفت‌وگو کرد.

## محمدجواد ظریف: پیروزی صهیونیست‌ها غیرممکن است

معاون راهبردی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه نخست‌وزیر اسرائیل بقای خود را به تداوم جنگ با حماس و حزب‌الله لبنان گره زده است، گفت پیروزی صهیونیست‌ها در این جنگ غیرممکن است و جامعه بین‌المللی باید برای پایان آن تلاش کند. محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور، ادعای مخالفت حماس با آتش‌بس را مضحک دانست و گفت این «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است که برای بقای خود به این جنگ ادامه می‌دهد؛ جنگی که پیروزی صهیونیست‌ها در آن غیرممکن است. بنا بر روایت ایسنا، «کریستین امان‌پور» مجری شبکه «پی‌بی‌اس» با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی یکی از اهداف خود از جنگ با حزب‌الله را قطع حمایت حزب‌الله از حماس عنوان کرده است، گفت «آیا ایران برای راضی‌کردن حماس برای پذیرش آتش‌بس تلاش می‌کند؟». ظریف در پاسخ با بیان اینکه حماس از ابتدا هم با آتش‌بس موافق بوده، یادآور شد این نتانیاهو است که حتی با طرح‌های متحد اصلی خود، یعنی ایالات متحده برای برقراری آتش‌بس نیز مخالفت کرده است. او در ادامه گفت: طرح این ادعا که حماس باید به پذیرش آتش‌بس واداشته شود، مسخره و مضحک است، زیرا همه می‌دانند این نتانیاهو است که برای بقای سیاسی خود به این جنگ نیاز دارد و صهیونیست‌ها به امید واهی پیروزی وارد این جنگ شده‌اند، در حالی این امری غیرممکن است. معاون راهبردی رئیس‌جمهور در پاسخ به پرسشی درباره تلفات غیرنظامی ادعایی در عملیات طوفان الاقصی، تعهد حماس به حفاظت از غیرنظامیان را یادآور شد و تأکید کرد که تاریخ این مناقشه از هفتم اکتبر آغاز نشده است. او با یادآوری فشار صهیونیست‌ها به مردم غزه و محدودکردن دسترسی ساکنان متراکم‌ترین نقطه زمین به نیازهای اساسی در سال‌های منتهی به عملیات طوفان الاقصی، گفت: اشغال فلسطین و آپارتاید رژیم صهیونیستی ۷۰ سال است که عرصه را بر مردم فلسطین تنگ کرده است. ظریف همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا حماس و فلسطینیان ساکن غزه اکنون با مشاهده جنایات صهیونیست‌ها از عملیات طوفان الاقصی پشیمان هستند؟ گفت: تمامی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند محبوبیت حماس پس از آن عملیات هم در غزه و هم در کرانه باختری افزایش یافته است و مردم فلسطین باید حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند. معاون راهبردی رئیس‌جمهور تأکید کرد: وظیفه جامعه بین‌المللی تلاش برای پایان این جنگ است؛ جنگی که نتانیاهو در آن به توهم پیروزی امید بسته است، درحالی‌که این امری غیرممکن است و رژیم صهیونیستی باید این را بپذیرد.

### گفت‌وگوی «شرق» با حسین علایی به مناسبت چهل‌وسومین سالگرد حادثه هفتم مهرماه و شهادت گروهی از فرماندهان ارتش و سپاه

# یک پرواز پرماجرا

**عبدالرحمن فتح‌الهی:** ۴۳ سال از سانحه سقوط هواپیمای C-130 در ۳۰ کیلومتری فرودگاه مهرآباد در جنوب غربی کهریزک می‌گذرد و هنوز هم علت این حادثه که به شهادت هم‌زمان جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و وزیر دفاع و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) منجر شد، روشن نیست. هرچند برخی مقاطع در تاریخ دفاع مقدس مانند ۳۱ شهریور ۵۹ و آغاز جنگ ایران و عراق مورد تحلیل، واکاوی و بررسی دقیق قرار گرفته و هرساله هم درباره آنها نشست‌ها، جلسه‌ها و مصاحبه‌هایی در رسانه‌ها برگزار می‌شود، اما باید اذعان کرد در این جنگ هشت‌ساله، نقاط مبهمی وجود دارد که با گذشت حدود چهار دهه هنوز ابعاد آن روشن نیست و متأسفانه باید پذیرفت که از این دست نقاط مبهم در تاریخ دفاع مقدس کم نیست. به موازات وجود این نقاط مبهم، عدم دسترسی یا در بهترین حالت، محدودیت برای تحقیق و پژوهش درباره این مقاطع زمانی و وقایع ناروشن به یکی از محورهای جدی انتقادهای پژوهشگران تاریخ جنگ ایران و عراق بدل شده است. با سانحه سقوط بالگرد حامل سیدابراهیم رئیسی مجددا این سؤال به شکل پررنگی برجسته می‌شود که چرا پرونده اتفاقاتی از این دست همواره با یک بیانیه کلی و گزارش‌های مختصر رسمی مختومه شده و به تاریخ می‌پیوندند، بدون آنکه ابعاد و زوایای مختلف آن بررسی شده و به همه سؤالات، ابهامات و پرسش‌ها پاسخ روشن، مستدل و متقنی داده شود. با این حال در چهل‌وسومین سالگرد شهادت سرلشکر ولی‌الله فلاحی، سرتیپ موسی نامجو، سرتیپ جواد فکوری، یوسف کلاهدوز و محمدعلی جهان‌آرا، مجددا پرونده حادثه سقوط C-130 را در گفت‌وگویی با حسین علایی باز کردیم و سعی شد در گپ‌وگفت با اولین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از روایت‌های پرتکرار این سال‌ها عبور کرده و روی سناریوهای کمتر گفته‌شده چهار دهه اخیر تمرکز شود که در ادامه ماحصل و مشروح این مصاحبه را می‌خوانید.

•••

**نخستین سؤالی که درخصوص حادثه هفتم مهرماه سال ۶۰ ذهن را درگیر می‌کند، این است که این حادثه چرا پس از گذشت بیش از چهار دهه هنوز با ابهام و پیچیدگی مواجه است؟ چرا با این میزان از تعدد، تنوع و حتی تضاد روایت‌ها درباره دلایل، اهداف و پشت پرده این سقوط مواجهیم؟ در این میان محمدعلی شریف‌النسب از فرماندهان میانی ارتش در دوران جنگ، در اظهارنظری در هفتم مهر ۱۳۹۶، این واقعه را «صددرصد مشکوک» عنوان کرد و بدون توضیح بیشتر گفت «به نظر من، آقایان رحیم‌صفوی، ری‌شهری و محسن رضایی در جریان هستند، اما به دلیل مصلحت‌سنجی کسی چیزی نمی‌گوید». آیا چیزی برای پنهان‌کردن وجود دارد؟**

متأسفانه تاکنون نتیجه بررسی‌های مربوط به سانحه هوایی رخ‌داده برای هواپیمای تاکتیکی C-130 نیروی هوایی ارتش که در هفتم مهرماه سال ۱۳۶۰ رخ داد و منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان عالی ارتش و سپاه و نفرات دیگر شد، به صورت رسمی انتشار علنی نیافته است. بنابراین شاید به دلیل همین عدم انتشار رسانه‌ای گزارش مشروح سانحه به طور رسمی باشد که همچنان اظهارنظرهای مختلف و بعضی از شایعات درباره علت بروز این سانحه وجود دارد. یک دلیل دیگر هم برای اظهار چنین نظراتی، آن است که در آن ایام منافقین ترورها و عملیات مختلفی را به نفع صدام حسین انجام می‌دادند و به همین دلیل برخی از علاقه‌مندان به قربانیان آن سانحه بر این باورند که احتمالا بروز سانحه برای این هواپیما که به دلیل ناگهانی قطع برق هواپیما رخ داد، یک نوع عملیات خرابکاری از سوی افراد نفوذی منافقین باشد. ولی منافقین تاکنون مسئولیت این حادثه را بر عهده نگرفته‌اند و چنین ادعایی را مطرح نکرده‌اند. از طرفی دولت عراق هم در آن زمان هیچ ادعایی درباره اقدام علیه آن هواپیمای نظامی و نیز فرماندهان حاضر در این هواپیما مطرح نکرد. بنابراین می‌توان علت سانحه را همان مطلب بیان‌شده از سوی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران دانست که ازکارافتادن سیستم برق هواپیما، موجب خاموش‌شدن یکباره چهار موتور هواپیما شده است و در زمان فرود اضطراری خلبان در بیابان و هنگام نشستن هواپیما روی زمین نامناسب، ضرباتی به سرنشینان هواپیما وارد شده و باعث ازدست‌رفتن جان فرماندهان عزیز ارتش و سپاه و سایر سرنشینان هواپیما شده است. به هر حال در این سانحه چندین نفر ازجمله خلبان هواپیما و یک فیلم‌بردار زنده مانده‌اند که شاهد ماجرا هستند و آنها در مصاحبه‌هایی که در سال‌های گذشته انجام داده‌اند، جزئیاتی را از لحظه بروز حادثه تا زمان نجات خودشان از هواپیما بیان کرده‌اند.

**سؤال مهم‌تری که مطرح است، این است که چرا با این حادثه و شهادت ولی‌الله فلاحی، جواد فکوری، سیدموسی نامجو، یوسف کلاهدوز و محمد جهان‌آرا تأثیری ملموس در جبهه‌ها احساس نشد؟ به هر حال حذف هم‌زمان جانشین ستاد مشترک ارتش (سرلشکر ولی‌الله فلاحی)، وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری (سرتیپ موسی نامجو)، فرمانده نیروی هوایی و وزیر دفاع و مشاور در ستاد مشترک ارتش (سرتیپ جواد فکوری)، قائم‌مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (یوسف کلاهدوز) و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر (محمدعلی جهان‌آرا) در یک واقعه، عملا می‌تواند وضعیت جبهه‌های جنگ را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ به‌خصوص آنکه هنوز سلسله عملیات‌های اواخر سال ۶۰ و اوایل سال ۶۱ مطرح نبود. یعنی ایران هنوز به یک توازن قوا در برابر عراق نرسیده بود. لذا شکنندگی جبهه‌ها کاملا پررنگ بود و با این اتفاق می‌توانست وضعیت بیش از پیش شکننده‌تر شود.**

طبیعی است که ازدست‌دادن تک‌تک فرماندهان عزیز و نیز رزمندگان فداکار برای جبهه ایران خسارت بزرگی بود، ولی ایثارگری‌های فرماندهان ارتش و سپاه و نیروهای داوطلب بسیجی در جبهه‌های جنگ موجب می‌شد تا سایر فرماندهان به راه آنها ادامه دهند و داوطلبان بیشتری عازم جبهه‌های جنگ شوند. البته این سانحه متأسفانه پس از پیروزی بسیار مهم ایران در شکست حصر آبادان اتفاق افتاد و تا حد زیادی شیرینی عملیات ثامن‌الائمه را در کام مردم ایران تلخ کرد. اما در ارتش و سپاه، فرماندهان با تجربه زیادی در خلال سال اول جنگ تربیت شده و پرورش یافته بودند که به طور مرتب در جبهه‌های جنگ حاضر بودند و مشغول طرح‌ریزی عملیات‌های مختلف علیه ارتش متجاوز عراق بودند. باید توجه داشت که فرماندهان میدانی ارتش و سپاه در آن زمان نقش مهمی را در جبهه‌های جنگ ایفا می‌کردند و با شکست حصر آبادان، ایران در مسیر و در دور پیروزی قرار گرفته بود. با پیامی هم که امام خمینی رحمت‌الله علیه در رثای شهدای سانحه هوایی دادند و نیز اقدام فوری برای جایگزینی فرماندهان شهید، فرماندهان جدید همچنان به صورت جدی به طرح‌ریزی‌ها و اقدامات خود علیه دشمن متجاوز ادامه دادند و عملیات‌های بعدی طبق زمان‌بندی‌های قبلی به مرحله اجرا درآمد. از این زمان حتی نیاز به هماهنگی بین یگان‌های ارتش و سپاه افزایش یافت و قوای آنها بیشتر در کنار یکدیگر قرار گرفتند. حدود یک ماه پس از این سانحه دلخراش، عملیات طریق‌القدس با همکاری صمیمانه ارتش و سپاه انجام شد و شهر بستان در استان خوزستان آزاد شد و قوای ایران ظرف یک هفته نبرد، به نزدیکی مرز چزابه رسیدند. سپس عملیات فتح‌المبین در دوم فروردین ۱۳۶۱ انجام شد و پیروزی بسیار بزرگی برای ایران رقم خورد و قوای ایران توانستند با فداکاری بسیار، ارتش عراق را از غرب رودخانه کرخه عقب برانند و دشت عباس را آزاد کنند و خود را به نزدیکی مرز فکه برسانند. مدتی بعد هم عملیات بزرگ بیت‌المقدس از روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ شروع شد و ظرف ۲۴ روز ایران به قله و اوج پیروزی که آزادسازی خرمشهر بود، رسید. بنابراین مردم ایران توانستند با حضور انبوه خود در جبهه‌های جنگ، این ضایعه غم‌انگیز را تبدیل به تداوم مقاومت در جبهه‌های مختلف بکنند و موفقیت‌ها و پیروزی‌های بزرگی را برای ایران عزیز رقم بزنند.

**البته پیش از این حادثه عملیات‌هایی همچون «ثامن‌الائمه» و شکست حصر آبادن، عملیات سوسنگرد یا عملیات‌های کوچکی مانند عملیات کوی ذوالفقاری، نصر، مسلم بن عقیل، محمد رسول‌الله، شهید مدنی، ضربت ذوالفقار، عملیات ناتمام توکل و... انجام شده بود، اما توازن‌بخشی لازم با عملیات‌هایی همچون طریق‌القدس در آذر ۶۰ یا عملیات فتح‌المبین در فروردین ۶۱ و از همه مهم‌تر فتح خرمشهر (بیت‌المقدس) در خرداد ۶۱ و رسیدن به نقطه صفر مرزی با عراق صورت نگرفته بود. این حادثه و نبود این افراد در این بازه چگونه پر شد؟ مضافا باید این را هم پرسید که آیا آن‌گونه که مطرح است این حادثه باعث تغییر معادلات جنگ شده و طرح عملیات آزادسازی خرمشهر یا عملیات بیت‌المقدس نیز به هشت ماه بعد از آن موکول شد؟**

در زمان بروز سانحه هوایی هواپیمای حامل فرماندهان، هنوز طرح‌ریزی برای انجام عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس صورت نگرفته بود. طراحان عملیات طریق‌القدس، همان فرماندهان میدانی عملیات ثامن‌الائمه بودند که همچنان در جبهه بودند و بلافاصله پس از شکست حصر آبادان به دنبال تکمیل شناسایی‌ها و طرح‌ریزی عملیات طریق‌القدس رفتند و سپس آن را در موعد مقرر به اجرا درآوردند. بنابراین عملیات بیت‌المقدس باید پس از انجام عملیات‌های طریق‌القدس و فتح‌المبین انجام می‌شد و زودتر از اجرای آن عملیات‌ها، امکان آزادسازی خرمشهر وجود نداشت؛ زیرا باید قدرت رزمی ارتش و سپاه و به‌ویژه تعداد یگان‌های رزمی سپاه با بهره‌گیری از نیروهای داوطلب بسیجی به تدریج افزایش می‌یافت تا قدرت رزمی ایران برای آزادسازی خرمشهر بالا برود. در هر صورت با پیروزی‌های به‌دست‌آمده در عملیات‌های طریق‌القدس و فتح‌المبین، یگان‌هایی از سپاه و ارتش که در این مناطق و در خطوط پدافندی بودند، آزاد شدند و برای انجام عملیات بیت‌المقدس آماده نبرد شدند. بنابراین انجام عملیات بیت‌المقدس در زمان موعود خود و طبق برنامه‌ریزی‌های زمان‌بندی‌شده، انجام شده است و آن عملیات توانست پیروزی بسیار بزرگی را نصیب مردم ایران کند. غنایم بسیار زیادی که در عملیات‌های طریق‌القدس و فتح‌المبین گرفته شد، به‌ویژه مهمات فراوانی که از قوای دشمن در جریان هزیمت قوای ارتش عراق غنیمت گرفته شد، همگی در جریان عملیات بیت‌المقدس، علیه ارتش عراق به کار رفت و موجب شد قوای ایران در جریان آن عملیات حدود ۱۹ هزار نظامی عراقی را اسیر کنند و خود را به ساحل اروندرود برسانند و اکثر سرزمین‌های اشغالی ایران را آزاد کنند.

**پیش از پرداختن به سناریوهای حادثه هفتم مهرماه، این سؤال را هم بپرسم که به باور شما در میان شهدای این حادثه می‌توان ولی‌الله فلاحی را عاقبت‌بخیر دانست؟ چون بسیاری معتقدند اگر فرمانده نیروی زمینی ارتش در این حادثه شهید نمی‌شد، شرایط برای ادامه کار وی به دلیل عقبه فلاحی و حضورش در ارتش شاهنشاهی نهایتا به گسل او با انقلاب منتهی می‌شد.**

شهید سرتیپ ولی‌الله فلاحی یک نظامی فهمیده، مؤمن و با دانش نظامی در ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. او در زمان بروز سانحه هوایی، عملا رئیس ستاد مشترک ارتش بود و نقش مؤثری در آمادگی رزمی ارتش ایفا کرد. سرتیپ فلاحی فرد مورد اعتماد و علاقه امام خمینی بود، به طوری که پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، امام ایشان را مأمور تمشیت امور ارتش کرد و بخشی از اختیارات فرماندهی کل قوا را به وی واگذار کرد. بنابراین چنانچه سانحه تأسف‌بار هوایی رخ نمی‌داد، به نظر می‌رسد که سرتیپ فلاحی همچنان به نقش مهم خود در اداره ارتش و در دفاع از کشور ادامه می‌داد.

**در پاسخ به پرسش نخست، احتمالاتی را درباره علت یا علل سقوط عنوان کردید که برخی هم به احتمال بازیگری بعضی مخالفان جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. ولی اساسا می‌توان حادثه مهر را ترور دانست یا باید آن را یک حادثه تصور کرد؟**

سانحه هوایی هفتم مهر بر اثر یک نقص فنی ناشی از قطع‌شدن برق هواپیما رخ داده است؛ بنابراین آن را نمی‌توان یک ترور یا یک اقدام عمدی دانست. خرابکاری هواپیما توسط افراد نفوذی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) هم تاکنون ثابت نشده است. گرچه همیشه شیوه منافقین، انجام جنایت‌های بی‌شمار از قبیل ترور، انفجار و کشتن انسان‌های بی‌گناه بوده است. طبیعی است که اگر مجاهدین خلق چنین جنایتی را انجام داده بودند، قاعدتا باید به‌طور رسمی آن را می‌پذیرفتند و اعلام می‌کردند و مسئولیت آن فاجعه را بر عهده می‌گرفتند تا قدرت جنایتکاربودن خود را به رخ مردم و صدام دیکتاتور عراق که پشتیبان آنها بود، بکشند.

**عنوان کردید که هنوز هم سازمان مجاهدین خلق (منافقین) اشاره‌ای به نقش خود در سقوط C-130 نداشته و هیچ مسئولیتی را دراین‌باره نپذیرفته است. اما سناریویی که به آن نپرداختید، نقش‌آفرینی کسان دیگری مانند بنی‌صدر است؛ چون آن‌قدر گمانه‌زنی و روایت مطرح است که در جست‌وجویم درباره این مسئله، روایت‌هایی البته نه‌چندان موثق نیز دراین‌باره به چشمم خورد. بااین‌حال نقش بنی‌صدر را در این حادثه چگونه می‌بینید؟ به هر حال در ۱۳۵۹ سپهبد قرنی ترور می‌شود و در ۲۹ خرداد همان سال، حکم جانشینی ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به سرلشکر فلاحی ابلاغ می‌شود. در این بین، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری وقت نیز از مقام فرماندهی کل قوا عزل و اختیارات او در نامه‌ای از امام(ره) به تیمسار فلاحی تفویض می‌شود. اگرچه بنی‌صدر به‌واسطه حادثه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ عملا در گسل کامل با انقلاب قرار داشت و نهایتا در ۳۱ خرداد از ریاست‌جمهوری هم عزل شد. در این بین، حضور افرادی همچون حاتمی در اداره دوم ارتش (منصوب دولت موقت) که به‌هیچ‌وجه ستاد مشترک را قبول نداشت و به‌شدت به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نزدیک بود نیز مورد بحث قرار دارد. در کل برخی کارشناسان معتقدند این سقوط، خرابکاری بوده و در ادامه ترورهای تابستان سال ۱۳۶۰ قرار داشته است؟**

بنی‌صدر دارای سازمان مخفی نبود و تشکیلات نظامی مخفی نداشت که بخواهد از این‌گونه اقدامات انجام دهد. شبکه تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق و جریان جبهه ملی، ابزار برنامه‌ها و اقدامات بنی‌صدر علیه رقبایش به‌ویژه شهید آیت‌الله دکتر بهشتی و حزب جمهوری اسلامی بودند. بنی‌صدر حتی برای فرار از ایران، متکی به منافقین و به نفوذی‌های سازمان مجاهدین خلق در نیروی هوایی ارتش بود و همراه مسعود رجوی و با کمک سرهنگ معزی که خلبان شاه بود، از ایران فرار کرد و به فرانسه رفت. از طرفی اکثر فرماندهانی که در سانحه هوایی هفتم مهر به شهادت رسیدند، در زمانی که بنی‌صدر از طرف رهبری، فرمانده کل قوا بود، بنا بر خواست امام خمینی با بنی‌صدر همکاری می‌کردند و بنی‌صدر با آنها مشکلی نداشت. بنابراین احتمال دخالت بنی‌صدر در این حادثه بسیار ضعیف است. از سوی دیگر، کمیته بررسی سانحه که همگی از افسران متخصص ارتش بوده‌اند، آثاری از بمب‌گذاری یا اصابت هیچ نوع گلوله‌ای به هواپیما گزارش نکرده‌اند. از طرفی اگر هواپیما هدف پدافند هوایی یا موشک ضدهوایی قرار می‌گرفت، طبیعتا باید سقوط می‌کرد؛ در حالی که هواپیما سقوط نکرده است، بلکه خلبان توانسته آن را در نزدیک‌ترین محل روی زمین بنشاند و به همین دلیل تعدادی از سرنشینان هواپیما ازجمله بعضی از خدمه آن زنده مانده‌اند. باید توجه داشت که در آن زمان، مسئولیت دفاع از آسمان ایران بر عهده نیروی هوایی ارتش بود و تمامی سامانه‌های موشک‌های ضدهوایی هاوک و توپ‌های اورلیکن نیز در اختیار ارتش قرار داشت. بنابراین چنین فرضیه‌ای هم قابل اثبات نیست.

**در این بین این احتمال هم وجود دارد که این حادثه توسط طیف مهدی هاشمی صورت گرفته باشد. به باور شما این سناریو تا چه اندازه می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد؟**

در زمان بروز سانحه هوایی، هنوز مسائل مربوط به طیف سیدمهدی هاشمی در جامعه مطرح نبود. از سوی دیگر فعالیت‌های سیدمهدی هاشمی معطوف به نهضت‌های آزادی‌بخش خارج از کشور بود. آنها در ارتش اصلا نفوذی نداشتند و در آن زمان هم با سپاه مشکلی نداشتند. از طرفی تشکیلات آنها وسیع نبود و تعداد افراد بسیار معدودی بودند که در آن زمان از خط‌مشی امام خمینی حمایت می‌کردند. آنها به دنبال کارهای خود برای ارتباط با نهضت‌های آزادی‌بخش موجود در سایر کشورها بودند. آنها رسما در جبهه‌ها هم به عنوان تشکیلات مستقل حضوری نداشتند. بنابراین طرح چنین فرضیه‌ای هم چندان وجهی ندارد.

**سناریوهای دیگری هم برای سقوط در میان است که یکی از آنها اشتباه پدافند در شلیک به هواپیماست؛ چنان که ناخدا هوشنگ صمدی، فرمانده تکاوران دریایی مدافع خرمشهر، در مصاحبه‌ای با روزنامه قانون، علت سانحه را شلیک پدافند خودی دانسته و می‌گوید: «هواپیما را با موشک پدافند زدند و باعث سقوط آن شدند. در آن زمان من و یکی دیگر از فرماندهان ارشد نیز قرار بود با این هواپیما به تهران بیاییم». یا در سناریوی دیگری پدر شهید جهان‌آرا موضوع کارگذاری بمب در پیکر شهدای انتقالی را عنوان کرده و سایر روایت‌ها. از اینها بگذریم چون در این سال بارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما به هر حال جناب علایی این سؤال هم مطرح است که هواپیمای C-130 یکی از امن‌ترین هواپیماهاست، چطور می‌شود که هر چهار موتور خاموش و سیستم برق هواپیما هم قطع شده باشد؟**

به نظر می‌رسد علت قطع برق هواپیما یک خطای انسانی بوده که از سوی خدمه هواپیما رخ داده است. در آن زمان به دلیل حملات هوایی عراق، معمولا چراغ‌های داخل هواپیما را خاموش نگه می‌داشتند. احتمال دارد که در تاریکی داخل کابین، خدمه هواپیما از کلیدها به صورت اشتباهی استفاده کرده و موجب از کار افتادن چهار موتور هواپیما شده‌اند. البته نظر کمیته بررسی سانحه از اهمیت بالایی برخوردار است.

خبر

## عارف: هرگز به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نیستیم

معاون اول رئیس‌جمهور در دیدار با جمعی از فرزندان شاهد و خانواده شهدا گفت: دشمن پرونده سرنگون‌کردن نظام اسلامی را برای همیشه بسته است و اکنون تنها به دنبال بهانه‌هایی مانند سلاح هسته‌ای می‌رود؛ در حالی که خودشان هم می‌دانند که ما هرگز دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نیستیم. محمدرضا عارف در ششمین روز از هفته دفاع مقدس و در سالروز شکست حصر آبادان در عملیات ثامن‌الائمه(ع)، با جمعی از فرزندان شاهد و خانواده شهدا دیدار کرد. بنا بر روایت ایرنا، وی با بیان اینکه عنوان «فرزند شهید» پرافتخارترین عنوان ایران است، گفت: شما تکلیف دارید از نام بلند و پرافتخار پدرانتان دفاع کنید. معاون اول رئیس‌جمهور در شروع سخنان خود در این دیدار صمیمانه که در سالن شهید بهشتی نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد، با تبریک هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی گفت: شاید گفتن چنین سخنانی برای یک فرد سیاسی، خودنمایی محسوب شود، اما این اعتقاد قلبی من است که همواره به حال شهدا و دانشجویان شهیدی که در دانشگاه با آنها آشنا شده بودم غبطه می‌خورم.

**«فرزند شهید» پرافتخارترین عنوان کشور است**

عارف در این جلسه، پس از شنیدن پیشنهادات و نظرات حاضران درباره مسائل مختلف کشور گفت: اینکه شما مانند پدران بزرگوارتان هستید و هیچ خواسته شخصی‌ای را در چنین جلساتی مطرح نمی‌کنید، بسیار غرورآفرین است. عنوان «فرزند شهید و خانواده شهدا» پرافتخارترین عنوان در کشور ماست. وی افزود: اگرچه در سال‌های گذشته ما در بسیاری از موارد، الگوهای محبوب جامعه را سوزانده و از دست داده‌ایم، اما عنوان «شهید» همچنان پرافتخار مانده است و حتی اگر کسی بخواهد این الگو را از جوانان و نوجوانان ما بگیرد هرگز موفق نخواهد شد و شما به عنوان فرزندان شهدا مسئول هستید که از این نام پرافتخار دفاع کنید و برای رشد و توسعه کشور تلاش کنید. معاون اول رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر مسئولیت اجتماعی خانواده و فرزندان شهدا در تبیین انقلاب اسلامی برای نسل جوان و نوجوان ایران گفت: یکی از مهم‌ترین وظایف ما این بود که در چهار دهه گذشته درباره فضایی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد برای جوان‌ترها روشنگری و تبیین کنیم، اما درگیرشدن با امور جاری، مانع از این شد که به این حوزه بپردازیم.

### علیزاده طباطبایی در گفت‌وگو با «شرق»
## مخالفت با آزادی مشروط قربان بهزادیان‌نژاد

وکیل مشاور میرحسین موسوی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸، مخالفت ضابط پرونده را مانع آزادی مشروط این فعال سیاسی از زندان به رغم سپری‌شدن هفت ماه از یکسال حبس او، اعلام کرد. محمود علیزاده‌طباطبائی، وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «شبکه شرق» با اشاره به آخرین وضعیت پرونده قربان بهزادیان‌نژاد، فعال سیاسی و مشاور میرحسین موسوی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ اظهار کرد: «آقای بهزادیان‌نژاد در شرایطی به یک سال حبس محکوم شد که نه شرکت در کلاب‌هاوس جرم محسوب می‌شود و نه اظهارات مطرح‌شده از سوی او، وصف مجرمانه‌ای دارد. با این حال حکم یک سال حبس آقای بهزادیان‌نژاد اجرائی شد و او تا امروز، هفت ماه از این مدت را سپری کرده است». او ادامه داد: «قانونا با توجه به حبس در نظر گرفته‌شده برای آقای بهزادیان‌نژاد و مدت‌زمان بازداشت، او می‌تواند با آزادی مشروط از زندان آزاد شود ولی متأسفانه به رغم پیگیری‌های صورت‌گرفته، مخالفت ضابط پرونده، مانع تحقق این مسئله شده است. موافقت ضابط پرونده، شرط اول جلب موافقت دادستانی محسوب می‌شود به همین دلیل امکان تحقق آزادی مشروط به عنوان یکی از حقوق زندانی وجود ندارد». وکیل مشاور میرحسین موسوی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ با بیان اینکه «آقای بهزادیان‌نژاد در طول دوران حبس، از مرخصی هم بهره‌مند نبوده است» گف